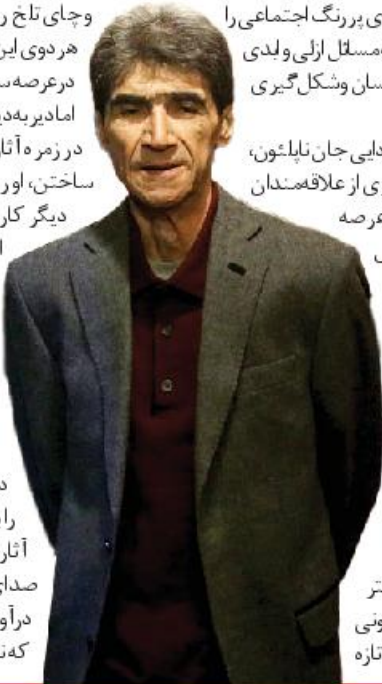


چرا سینمای امروز کوتوله است

فعالیتش بود. ساخت این مجموعه تلویزیونی پس از طی مراحل اولیه، به کارگردان دیگری واگذار شد. اما به نظر می‌رسد که نشانه‌های از حضور ناصر تقوایی همچنان بر این مجموعه سایه انداخته است. تقوایی پس از یک دوره طولانی، بهترین فیلم همه دوران فعالیت خود را عرضه کرد. ناخدا خورشید، نگاهی تازه و شیفته‌وار به یکی از ملنگ‌ترین آثار ادبی - سینمایی، یعنی داشتن و نداشتن، رمان معروف ارنست همینگوی که زیباترین برگردان سینمایی خود را مرهون هاوردها و کس بود در نسخه ایرانی خود، تکراری موفقیت‌آمیز داشت.

ناخدا خورشید، به دلیل پیشینه تقوایی در داستان‌نویسی، علاقه خاص او به رمان‌های ارنست همینگوی، شناخت دقیق تقوایی از شخصیت‌ها و ویژگی‌های بومی و جغرافیای منطقه جنوب، تسلطش بر گفت‌وگونیسی و کارگردانی، بازی‌های سنجیده و قابل قبول تقریباً همه بازیگران فیلم بهترین اقتباس ایرانی از داستان‌های خارجی محسوب می‌شود. تبحر فیلم‌نامه، خلق موقعیت‌های ناب و دیالوگ‌نویسی تقوایی در این فیلم بسیار ملموس و متبلور است. اما فیلم‌ای ایران، پس از تبحر این فیلم‌ساز در سریال دایی جان ناپلئون، و خلق چهره‌های کاریکاتوری و ایجاد غلو در شخصیت‌های پدید آمد. باعث شد تا اوای ایران، را با موضوع هجو استبداد و دیکتاتوری به نمایش بگذارد. فیلم، با تانگلی ملی و آرمان‌گرایی که در مواردی شکل و فرم شعاری نیز به خود می‌گیرد در فضایی فانتزی، با آدم‌هایی شیرین و مقدار زیادی شعر و موسیقی، یک نمایش تمام‌عیار با تفسیر ساده از انقلاب به نمایش می‌گذارد. آخرین فیلم کامل تقوایی کلفذبی خط، محصول سال ۱۳۸۰ و با بازی خسرو شکیبایی، هدیه تهرانی، جمیله شیخی و جمشید مشایخی است. این فیلم در جشن خانه سینما به عنوان بهترین فیلم انتخاب شد. نکته مهم درباره این فیلم‌نامه‌ها و پیوندهای عمیق و ریشه‌دار وقایعی است که در پس یک داستان ساده درباره رولپت خانوادگی یک زوج روایت می‌شود، اما نمادهای عمیقی در پس وقایع آن وجود دارد. اشاره به قتل‌های زنجیری‌های در خون چکان شدن روزنامه و نیز مساجح کر دن ماهی بزرگ که توسط همسر آورده می‌شود. از این رو کلفذبی خط، شکل پرداخت استعاری تقوایی به داستان و آدم‌هایش است. ناصر تقوایی پس از کلفذبی خط، دو پرده رنگی و رومی، و چای تلخ را به ترتیب در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ آغاز کرد.

هر دوی این پروژه‌ها نتیجه کاره‌ملنگند. او پس از ۵۰ سال تلاش در عرصه سینمای حرفه‌ای، هنوز بسیار ایده‌ساخته نشده‌اند، اما در بهر پشت دوربین رفته است. هر گاه اثری خلق کرده، در زمره آثار درخشان سینما بوده است. وسواس در نوشتن و ساختن، او را کم‌کار جلوه داده است. البته ریل‌گذاری‌های او و دیگر کارگردان‌های موج نوی سینمای ایران در سال‌های اخیر به جز تعداد معدودی از آثار در تولیدات و سیلنت‌گذاری‌های سینمایی مسیر پر افت و خیز را طی کرده که دلخوری او را نیز منجر شده است. به طوری که به نشان لغزش عنوان می‌دارد: من صدایم بلند است؛ چون نگرتم. صدایم بلند است به این دلیل که چرا سینمای امروز ما، به جز چند استثنا این قدر کوتوله‌ملنگ است؟ برخی از فیلم‌ها در این چندساله، حتی بدیهی‌ترین قواعد سینما را به سرخه گرفته‌اند. تا آن جا که از سطح برخی آثار پیش‌افتاده گذشته، نازل‌تر شده‌اند و این اتفاق صدای بسیاری از صاحب‌فکران و متفکران جامعه را در آورده است. «به همین سبب اوتز دیک به دو دهه است که ناخواسته دیگر فیلمی نمی‌سازد.



مهدی قنبر - ناصر تقوایی قبل از سینما در همان ایام نوجوانی عاشق ادبیات شد. داستان کوتاه می‌نوشت و به قول خودش فریفته شیوه‌های نوشتن که بعدها در نوشتن فیلم‌نامه‌های درخشان فیلم‌هایش به کمکش آمد. اما با وجود عشق به ادبیات در دوران دبیرستان ریاضی خواند. از دوران جوانی به سینما علاقه‌مند بود و یکی از عوامل فنی فیلم سینمایی خشت و آینه، ساخته ابراهیم گلستان بوده و برخی از قواعد فیلم‌سازی را با این فرا گرفته است. او پیش از این که فیلم‌سازی را آغاز کند، به ساختن مستند روی آورده بود و ساخت مستندهایی با نام‌های نان خورهای بی‌سواد، آرایشگاه آفتاب، تاکسی‌متر، باد جن و فروغ فرخزاد را در کارنامه دارد. آغاز کار وی به عنوان مستندساز نیز به اواسط دهه ۴۰ بازمی‌گردد. اولین گام ناصر تقوایی در عرصه فیلم‌سازی حرفه‌ای، فیلمی نام‌تعارف نسبت به جریان فیلم‌سازی مرسوم زمان خود بود. فیلم آرامش در حضور دیگران، با سرمایه‌گذاری تلویزیون ملی و از دل سینمای دهه پنجاه ساخته شد. داستان فیلم از مجموعه واهمه‌های بی‌نام‌وشناس، نوشته غلامحسین سعیدی برگرفته شده بود. فیلم رویکردی درون‌کاونه و انسان‌شناختی به زندگی یک نظامی پیر و اتزواگرا دارد و به تحلیل شرایط جدید او در فضای آرام و کسل‌تبار خلواذگی می‌پردازد. آرامش در حضور دیگران اگرچه واکنش‌های متفاوتی در میان منتقدان سینمایی برانگیخت، اما دستاورد منسلی برای ورود به عرصه سینمای حرفه‌ای در آن روزگار نبود. تقوایی برای تثبیت موقعیت خود در این سینماناگزیر از پذیرش برخی از قاعده‌های مرسوم شد.

فیلم صادق کرده، را در سال ۱۳۵۱ بر اساس یکی از پرسرصدترین ماجراهای صفحه حوادث روزنامه‌ها ساخت، که جواز ورود منسلی برای حضورش در متن سینمای حرفه‌ای شد. یک داستان پرافت و خیز، با اوج و فرودهای موردعلاقه تماشاگر و گره‌های نمایشی هیجان‌ساز که عنصر عشق و انتقام و درگیری و گریز را در قالبی منسب ارائه می‌کند. بر خورد تقوایی با این مضمون تکراری، بسیار هوشمندانه و ظریف بود. پس از یک دوره کوتاه، دست به ساخت فیلم نفرین، برگرفته از داستان نه چندان برجسته باتانق، نوشته میکائلتاری زده که در حد انتظار نبود. بعد از مشکلات پیش آمده برای فیلم آرامش در حضور دیگران، به این واقع‌بینی رسید که میدان عمل لازم را برای بیان دغدغه‌های پررنگ اجتماعی را ندارد. نفرین، محصول این شرایط است و در آن به مسئله ازلی و ولدی چون تقدیر و سرنوشت، سرشت و بعد فلسفی انسان و شکل‌گیری فاجعه و... پرداخته می‌شود.

در همین دوران ساخت مجموعه تلویزیونی دایی جان ناپلئون، را آغاز کرد. مجموعه‌ای که به اعتقاد بسیاری از علاقه‌مندان سینما موفق‌ترین دستاورد فعالیت تقوایی در عرصه کارگردانی است. دایی جان ناپلئون، اگرچه پیش از هر چیز متکی به دورنمای طنزآمیز قصه و شخصیت‌پردازی اصل کتاب ایرج پزشک‌زاد بود، اما تمامی تأثیر خود را مرهون اجرای هوشمندانه کارگردان در تمامی زمینه‌ها از انتخاب بازیگر، فضا‌سازی، میزان سن و گرفتن بهترین بازی از بازیگران است. تقوایی با وجود وفاداری به متن اصلی، در مرحله تصویرسازی از موقعیت‌ها، ناگزیر از تغییراتی در شکل رابطه‌ها بود که در خط کلی قصه برای ایجاد فضای نمایشی، در شناخت هر چه بیشتر شخصیت‌های داستان مؤثر بود. پرده رنگی و تلویزیونی سردار جنگل، اولین اعلام حضور تقوایی در دوران تازه



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی

www.rooznamehsaba.com

rooznamehsaba

تهران خیابان آیت‌الله مدنی کوچه خجسته منش پلاک ۵
تلفن: ۶ ۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

تقوایی، مردی که خواستن را در سکوت فریاد زد

تیر ماه در صورت فلکی در برج سرطان است. و آغاز ورزش بادگرگ و سوزان در سرزمینی که در همسایگی با صحرای بزرگ و سوزان نظیر صحرای بزرگ عربستان و عراق است و شدت آن از تیر ماه آغاز و تا شهر پورما ادامه دارد، نشان از آغاز اولین ماه فصل گرما است. اما گرمای وجود ناصر که در روز ۲۱ تیر ماه ۱۳۲۰ در شهر باصفای آبادان پایه این دنیا می‌گذارد، برای خانواده تقوایی شادی و شغف مضاعفی به همراه دارد، تا جایی که گرمای ۵۰ درجه این شهر بر از حوادث تلخی را مطلقاً احساس نمی‌کنند. علی‌پدرش کارمند اداره گمرک بود و به همین دلیل ناصر، ناگزیر به همراهی پدر برای اقامت در شهر بندر لنگه می‌شود. او که دانش آموخته دبیرستان رازی آبادان است از همان سال‌های نوجوانی علاقه‌اش به سینما و ادبیات را نشان می‌دهد. و بدون آن که بداند در آینده جزو تأثیرگذارترین کارگردانان سینمای ایران می‌شود. وارد عرصه سینما شد. در کارنامه فیلم‌سازی تقوایی ۶ فیلم بلند و یک اپیزود از فیلم بلند «اپیزود «کشتی یوتلی» از مجموعه قصه‌های کیش (۱۳۷۷) دیده می‌شود، که سه‌تای آن را پیش از انقلاب و سه‌تارا پس از انقلاب ساخته است. ناصر تقوایی از انگشت‌شمار کارگردانی است که با فیلم‌هایی که ساخت حسرت را در لپلمان کلنت تا بیله‌وزیم برای بهتر و درست‌تر و خلاقانه‌تر دیدن و نیز درک درست زمنه نباید به هر وضعیتی که تهی از خود و پوشلی می‌خواه‌مندان، تن بهیم تقوایی مردی که خولستن را در سکوت فریاد زد. او خلق آثار موفق و ملنگ‌گاری در سینما و تلویزیون است. در اواخر دهه ۴۰ تا ۵۰ و در کنار کارگردانان نوظهور و صاحب‌سبکی مانند مسعود کیمیایی و داریوش مهرجویی با آثار تأثیرگذار جریان سینما وارد این عرصه شد. از این رو در شمار کارگردانان موج نوی سینمای ایران قرار می‌گیرد. او خون تازه و رنگی جدید را در رنگ و بوی سینمای ایران دمید. به طوری که می‌توان تولد سینمای ایران پس از دوره ساخت فیلم‌فارسی را به او و کارگردانان هم‌عصرش نسبت داد. او هم‌چنین برنده جایزه پلنگ برنز ی جشنواره فیلم لوکار نو برای فیلم ناخدا خورشید در سال ۱۹۸۸ است.



www.mci.ir

شما معتبر هستید شماره معتبر بخرید

فروش ویژه شماره‌های خاص اعتباری و دائمی تا ۴۰٪ تخفیف

از طریق shop.mci.ir و تمامی مراکز فروش و خدمات همراه اول

